

فربهی گوهرجان

عوامل موثر در تقویت ایمان و باورهای دینی دانشجویان

جواد هنرور*

چکیده

انسانها در طول تاریخ نسبت به امور دینی همواره کنجگاو بوده‌اند. مطالعات مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که تحقیقات گوناگونی در ابعاد مختلف دین صورت گرفته است. امروزه ما شاهد یک تحول اساسی در پاسخ به شبهات دینی در محافل علمی مغرب زمین هستیم. پژوهشهای اخیر نشانگر آن است که دین از قدیمی‌ترین باورهای بشر بوده است و در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر، اعتقادات دینی از بین نرفته است. تصریح دانشمندان و مورخین بزرگ بر این امر مهم و تأکید قرآن کریم بر اصل «فطرت» در تشریح آیین یکتاپرستی دلیلی بر این مدعاست. لذا هدف از مباحث دینی؛ «ایجاد» اعتقاد به خدا و دین در انسان نیست. هدف اساسی و نهایی، «فربهی گوهرجان»، توجه عمیق انسان به خدا و دین و تعمیق بینش مذهبی در جوامع بشری است و افزایش

اطلاعات دینی، هدف واسطه‌ای محسوب می‌شود. از این رو این پرسش، بجای و منطقی خواهد بود که چگونه می‌توان در جامعه، «علم» را به «ایمان» و سپس به «عمل» تبدیل نمود و «دین فهمی» را منتهی به «دین باوری» کرد.

در این مقاله، موانع و رویکردهای عملی این موضوع از جنبه‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

دین، انسان، فطرت، خداپرستی، اعتقاد، ایمان، دین‌داری، دانشگاه، دانشجو، علم، عمل.

مقدمه

انسانها در طول تاریخ و از آغاز خلقت تا به امروز در ارتباط با امور دینی همواره کنجکاو و دارای اعتقادات دینی بوده‌اند. مطالعات مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و جامعه‌شناسی ثابت کرده است که تحقیقات گوناگونی در ابعاد و زوایای مختلف دین صورت گرفته است. در قرون اخیر ما شاهد یک تحول بنیادین و گسترده در پاسخ به شبهات دینی در محافل علمی مغرب زمین بوده‌ایم. پژوهشهای اخیر این دانشمند نشان می‌دهد که دین یکی از قدیمی‌ترین باورهای بشر بوده است و بشر در هیچ دوره‌ای بدون دین - در مظاهر و صورتهای مختلف آن - نبوده است.

رابرت هیوم می‌نویسد: «در تاریخ بشر هرگز حتی قبیله‌ای وجود نداشته که بگونه‌ای دین نداشته باشد.»^(۱)

۱. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، چاپ اول. دفتر نشر فرهنگ اسلامی. تهران. ۱۳۶۹. ص ۱۷.

ویل دورانت می‌نویسد: «کاهن، دین را ایجاد نکرده است بلکه همانگونه که مرد سیاسی از تمایلات فطری بشر استفاده می‌کند، وی نیز برای مقاصد خود [دین را] مورد استفاده قرار داده است. عقیده به دین اختراع معابد نیست بلکه سازنده‌ی آن فطرت انسان است.»^(۱)

فیلسوف بزرگ مرحوم علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: «از نظر فلاسفه‌ی الهی و روانشناسان دین باور، سرچشمه‌ی دین‌گرایی انسان، عقل و فطرت اوست. زیرا بشر در نخستین مراحل آگاهی خویشتن از واقعیت خود و اشیاء پیرامون خود آگاه می‌شود و رابطه‌ی خود را با اشیاء و رابطه‌ی فیما بین اشیاء درک می‌کند و این ادراک اندیشه نیازمندی عمومی واقعیت‌هایی را که شناخته است پدید می‌آورد و از این رهگذر ذهن او متوجه موجودی می‌شود که برآورنده‌ی نیاز سایر موجودات است.»^(۲)

قرآن کریم در تشریح آیین یکتاپرستی بر اصل «فطرت» تأکید می‌کند و می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَنِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.»^(۳) قلب و ذهن خود را متوجه دین و آیین پاک توحیدی بدار. خداوند ذات و فطرت بشر را سرشار از عشق الهی و خدایپرستی خلق فرموده و هیچ دگرگونی در آفرینش الهی وجود ندارد. این دین توحیدی پایدار و ابدی، است اما اکثر مردم به این حقیقت بزرگ دانایی ندارند.

۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین. تفسرالمیزان: ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، جلد هشتم، ص جلد اول
۲. ویل، دورانت. تاریخ تمدن، مترجمان: احمد آرام، ع پاشایی، امیرحسین آریانپور، چاپ سوم، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۰، جلد اول، ص ۸۳
۳. قرآن کریم. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۳۰.

عقل دیگر بخشش یزدان بود چشمه‌ی آن در میان جان بود
 چون ز سینه، آب دانش جوش کرد نه شود گنده نه دیرینه نه زرد^(۱)

بنابراین هدف اساسی مباحث دینی ایجاد اعتقاد به خدا و گرایش به دین در انسانها نیست. زیرا فطرت خداشناسی و دین‌گرایی بعنوان نیرومندترین محرک داخلی و گوهر جان آدمی در نهاد بشر نهفته است. هدف عمده‌ی مباحث دینی در جهان معاصر؛ هدایت، تقویت، تشویق شایسته‌ی این تمایل فطری، فربه نمودن این گوهر جان، توجه عمیق انسانها به خدا و دین و ایجاد تغییر در رفتار اوست. به تعبیر دیگر افزایش اطلاعات دینی دانشجویان هدف واسطه‌ای محسوب می‌شود. هدف نهایی رسیدن به تربیت دینی و الهی و پرورش ایمان و به اصطلاح «دینداری» است.

علم بودش چون نبودش عشق دین او ندید از آدم الآ نقش طین
 گرچه دانی دقت علم ای امین زانت نگشاید دو دیده‌ی غیب بین
 او نسیند غیر دستاری و ریش از معرف پرسد از بیش و کمیش
 عارفا تو از معرف فارغی خود همی بینی که نور بازغی
 کار تقوی دارد و دین و صلاح که ازو باشد بدو عالم فلاح^(۲)

نیک می‌دانیم که دانشگاه محل تضارب آراء و عقاید است و دیدگاههای مختلف با جنبه‌های مثبت و منفی آن مورد مقایسه و بحث و نقد و تدقیق قرار می‌گیرد. لذا احتمال تغییر نگرش در رفتار در دانشجویان بیش از دیگر اقشار جامعه است و اکثریت آنان پس از فراغت از تحصیل دریافت‌کننده‌ی منفعل اطلاعات و ارزشها نیستند. بر اساس نتایج تحقیقات «نیوکام»

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، به تصحیح و پیشگفتار عبدالکریم سروش،

چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۲۶.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع، ص ۹۱۷.

(newcomb)، نگرش دانشجویان پس از اتمام تحصیلات تقریباً ثابت مانده است.^(۱) این امر می‌تواند بیانگر اهمیت موضوع از جنبه‌ی دیگر باشد.

بر پایه‌ی نظریه‌ی «هاولند» (Hovland) در یادگیری نگرشهای تازه سه متغیر عمده وجود دارد: توجه (Attention) و ادراک (Comprehension) و پذیرش (Acceptance) و پاسخ یا تغییر در نگرش پس از «پذیرش» حاصل می‌شود.^(۲) حال اگر «ادراک» را «علم» و «پذیرش» را «ایمان» بدانیم و بدین نکته توجه کنیم که تغییر در نگرش اغلب موجب تغییر در رفتار می‌شود؛ طرح این پرسش بجا خواهد بود که چگونه می‌توان این «علم» را به «ایمان» و سپس به «عمل» تبدیل نمود؟ یا چگونه می‌توان «دین آموزی» و «دین فهمی» را منتهی به «دینداری» کرد؟

از سوی دیگر بحث اسلامی کردن دانشگاهها از مسائلی است که از آغاز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی بطور جدی مورد توجه قرار گرفته است و اعلام نظر مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای بر اهمیت آن افزوده است و بازتاب بسیار وسیع و امیدوارکننده‌ای در مراکز آموزش عالی داشته است. بدیهی است اگر این امر مهم جامعه‌ی عمل بخود بپوشد یک تحول جدی و اساسی در مراکز علمی و فرهنگی خصوصاً و در سطح جامعه عموماً مورد انتظار خواهد بود. مسلماً تحقق این امر بدون تعمیق بینش و نگرش دینی دانشجویان میسر و منتج به نتیجه نخواهد بود.

موانع و رویکردهای عملی تعمیق بینش مذهبی دانشجویان

۱- کشف علل و عوامل ضعف و سستی ایمان و گرایشهای دینی در

۱. کریمی، یوسف، روانشناسی اجتماعی، چاپ هفتم، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۴۶.

۲. کریمی، یوسف، همان منبع. ص ۲۸۱.

عصر جدید:

توجه به علل و عوامل بروز یک پدیده و تلاش برای مبارزه با آن به جای پرداختن به معلولها مورد قبول همه‌ی انسانهای خردمند در طول تاریخ بوده است. روشن است که ریشه‌یابی پدیده‌ی ضعف و سستی ایمان در عصر حاضر و قطع آن کمک مؤثری در این امر خواهد بود. باید اذعان کرد که علل و عوامل متعددی در طول تاریخ بشر در ظهور و بروز این پدیده‌ی شوم مؤثر بوده است. کشف همه‌ی این عوامل خود محتاج یک پژوهش مستقل و تحقیق گسترده‌ای است. در این میان می‌توان به دو عامل بسیار مهم و اساسی اشاره نمود.

الف) تبیین نادرست رابطه‌ی علم و دین

ریشه‌ی این امر را باید در برخورد غیر منطقی و نادرست روحانیون مسیحی با علم و عالم در قرون وسطی جستجو کرد. لذا می‌توان گفت پدیده‌ی جدیدی نیست و ریشه‌ی چندین صد ساله دارد. رهبران کلیسا در دوران قرون وسطی - که رهبران سیاسی نیز بودند - هرگونه اظهارنظر و اندیشه‌ی علمی را، که با عقاید خرافی آنان در تعارض بود، با استفاده از ابزاری از دین محکوم می‌نمودند و کفرآمیز می‌انگاشتند. لیکن رشد و گسترش رو به تزاید علم جدید فرصت اندیشیدن را به آنان نمی‌داد و بسیاری از باورهای موهوم آنان را باطل قلمداد می‌کرد. این امر که بتدریج موجب انزوای کامل کلیسا و سردمداران آن می‌گردید حتی معتقدین به آن دین را به اعتراض واداشت. مذهب پروتستانیسیم در مسیحیت یکی از مهمترین دستاوردهای این اعتراض دینی بود. نتیجه‌ی طبیعی این خفقان این بود که علما و دانشمندان نیز - که در دادگاههای تفتیش عقاید (انگیزیسیون) مورد محاکمه و محکوم به مجازات شده بودند - به مخالفت و مقابله با دین (نه برداشتهای

نادرست رهبران کلیسا از دین) پرداختند. در نتیجه تصور نادرست تعارض اساسی علم و دین - نه فقط مسیحیت- در میان شیفتگان علم جدید پدید آمد. در این نکته نمی توان تردید نمود که پیدایش و ظهور علم جدید پیامدها و آثار و تردیدهایی را برای دین و اخلاقیات داشته باشد. نکته ی حائز اهمیت این است که در کل تاریخ انقلاب علمی قرن هفدهم کشفیات و اندیشه ها از نظر منطقی کمترین تأثیری در راه از بین بردن ایمان به خدا نداشته است. زیرا اولاً - همانطور که ذکر شد - دین یک امر فطری است و هیچگاه در جوامع بشری از بین نمی رود و «دین گرچه ممکن است همیشه با اعتقاداتی همراه شود، ولی خود صرفاً امری عقلی نیست.»^(۱)

کم کش ایشان را که گشتن سود نیست دین ندارد بوی مشک و عود نیست^(۲) و ثانیاً «هیچ برهان علمی - هر برهان برگرفته از پدیده های طبیعی - هرگز ممکن نیست کمترین تمایلی به اثبات یارد خدا داشته باشد.»^(۳) با این حال می توان اذعان نمود که برخورد نادرست کلیسا با انقلاب علمی در عمل و از نظر تاریخی جایگاه دین را عمیقاً به تحلیل بُرد و بلافاصله موج عظیمی از شک گرایی دینی بوجود آمد و بدنبال قرن هفدهم و هیجدهم شکاک ترین عصر دنیای نوین فرا رسید. مباحث جدید از جمله سکولاریسم، ناسیونالیسم، مدرنیسم، پست مدرنیسم، اومانیسم و غیره پا به عرصه ی وجود نهادند. لذا انسانی که در گذشته همواره یک زندگی دینی داشته است به نظر می رسد که امروزه با علم جدید زندگی می کند و رویکرد تبیین درست

۱. استیس، والترترنس، دین و نگرش نوین، ترجمه احمدرضا جلیلی، چاپ اول، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۴۱.

۲. بلخی رومی، جلال الدین محمد، همان منبع، ص ۱۹.

۳. استیس، والترترنس، همان منبع، ص ۱۲۶.

رابطه‌ی علم و دین در تعیین سرنوشت زندگی بشر امروزی تأثیر زیادی خواهد داشت. زیرا «حیات بشریت بر مبنای فرض تعارض و رقابت علم و دین، شکل خواهد یافت و بر مبنای تعاضد و یگانه انگاری علم و دین صورت دیگری می‌یابد. بنابراین زندگی بشر نسبت به رابطه‌ی علم و دین بی تفاوت نیست.»^(۱)

توجه به نکات زیر در موضوع تعارض علم و دین و توصیه به دانشجویان در جهت آگاهی بخشی و روشنگری لازم و ضروری است:

- اصل تعارض علم و دین بر پایه‌ی این نگرش نادرست در مورد انسان شکل می‌گیرد که می‌توان دین را از انسان گرفت. «آلفرد نورث وایتهد»

(Alfred north Whithead) می‌نویسد: «روح دینی همواره در معرض کنار گذاشته شدن بوسیله‌ی تحریف، تأویل و سرانجام به فراموشی سپردن است. با وجود این، از زمانی که بشر سفر به سوی تمدن را آغاز کرده؛ روح مزبور همواره حضور داشته است.»^(۲)

- این تصور که در هر کشمکش و تعارض میان علم و دین حتماً باید دین مغلوب گردد تصویری نادرست و اندیشه‌ای بی‌اساس است.

- تعارض موجود میان علم و دین یک تعارض ظاهری است. تعارض حقیقی میان علم و دین وجود ندارد.

- این تعارض میان علم با دین بطور کامل نیست. فقط در مواردی تعارض وجود دارد.

۱. فرامرز قراملکی، احد. هندسه معرفتی کلام حدید، چاپ اول، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۰۴.

۲. وایتهد، آلفرد نورث، سرگذشت اندیشه‌ها، ترجمه دکتر عبدالرحیم گوهی، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴۵۶.

- تعارض بین اصل علم و اساس دین وجود ندارد. تعارض ظاهری در درک و نگرش دانشمندان علوم تجربی از طبیعت با درک و نگرش دانشمندان علوم دینی از کتابهای مقدس دینی است.

- راه حل این تعارض را نباید در «جدانگاری علم و دین» جستجو کرد. زیرا هر چند موضوع علم و دین متفاوت است، لیکن حوزه‌ی علم و دین بطور مطلق جدا نیست و نقاط مشترک در روش و نگرش میان این دو وجود دارد. در ضمن جدانگاری علم و دین راه را برای انواع توجیحات روانی و اجتماعی دین باز می‌کند.

- علم فقط می‌تواند پهنه‌ی محدودی را فراگیرد و هرگز قادر نیست جزبه حدس و گمان از حقایق و تحولات سخن گوید. به تعبیر وایتهد «یقین علمی سرابی بیش نیست. پیرامون آنرا محدودیت‌های ناشناخته فرا گرفته است.»^(۱)

عقل جزوی آفتش وهمست و ظنّ زانک در ظلمات شد او را وطن^(۲)
چشم حس همچون کف دستت و بس نیست کف را بر همه‌ی او دسترس^(۳)
در حالی که کتب مقدس دینی مبتنی بر اطلاعاتی الهی و فراگیر است و در مورد حقایق و واقعیت‌های زندگی به قطع و یقین سخن می‌گوید. وایتهد در جای دیگر می‌نویسد: «اگوست کنت با کنار گذاشتن مذهب هیچ چیز در راه حصول یقین بدست نیاورد.»^(۴)

زانک هست اندر طریق مفتتن علم کمتر از یقین و فوق ظنّ

۱. وایتهد، آلفرد نورث، همان منبع، ص ۳۶۶.

۲. بلخی رومی، جلال الدین محمد، همان منبع، ص ۴۰۱.

۳. بلخی رومی، جلال الدین محمد، همان منبع، ص ۳۸۹.

۴. وایتهد، آلفرد نورث، همان منبع، ص ۱۲۳.

علم جویای یقین باشد بدان و آن یقین جویای دیدست و عیان^(۱) - موضوع رابطه‌ی علم و دین امروزه و در دو دهه‌ی اخیر در مغرب زمین بصورت تعاضد و توازی علم و دین مطرح شده است. لذا نتیجه‌ی نهایی تعارض علم و دین تبیین نیازمندی انسان مدرن به دین می‌باشد.

«مراد از توازی این است که این دو در عین استقلال از نظر موضوع شباهات مهمی از نظر ساخت دارند. نویسندگان و پژوهندگان این گروه (علماء) درصدد آن نیستند که از کشفیات علمی مستقیماً نتایج کلامی بیرون بکشند. بلکه موارد مقایسه بین روشهای پژوهش این دو را پیدا می‌کنند و بر این عقیده‌اند که متکلمان می‌توانند در بسیاری از رهیافت‌های عقلی و تجربی دانشمندان شریک باشند. اینان می‌کوشند هم علم و هم دین را در درون یک برداشت و وحدانی از جهان لحاظ کنند»^(۲).

«فلسفه‌ی پویش» و ایتهد که در قرن بیستم پرورش یافته است یکی از کوششهای مؤثری است که علم و دین را در برداشت یگانه‌واری از حقیقت جمع‌آوری کرده است.

ب) از خودبیگانگی (الیناسیون):

این اصطلاح که در فلسفه‌ی اروپا برای نخستین بار توسط هگل مطرح شده است؛ یعنی «خود را باختن»، «خود را فراموش کردن و گم کردن». یعنی عواملی موجب می‌شود که انسان خودش با خودش بیگانه شود. لذا تعبیر

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۵۱۱.

۲. باربو، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۵۵.

صحیح تر آن از نظر شهید مطهری (ره) «با خود بیگانگی» است نه «از خود بیگانگی».^(۱)

گفت تو زین رو که عکس دیگرست جمله احوالت به غیر عکس نیست
خشم و رقت هست عکس دیگران شادی قوادی و خشم عوان
تا به کی عکس خیال لامعه جهد کن تا گرددت این واقعه^(۲)

مباحث علم روانشناسی را در مورد «سردرگمی نقش» (Role confusion) یا هویت انحرافی - هویت مغایر با ارزشهای اجتماعی^(۳) - تا حدودی می توان در ارتباط با این پدیده تبیین کرد. نباید تردید کرد که اگر انسان از عظمت روح و درون خود با خبر شود و به شرافت انسانیت خود واقف گردد ایمان به خدا در جان او تعمیق خواهد یافت.

در زمین مردمان خانه مکن کار خود کن کار بیگانه مکن
کیست بیگانه تن خاکی تو کز برای اوست غمناکی تو
تا تو تن را چرب و شیرین می دهی جوهر خود را نبینی فربهی
گر میان مشک تن را جا شود روز مردن گند او پیدا شود
مشک را بر تن مزن بر دل بمال مشک چبود نام پاک ذولجلال^(۴)

«انسان همیشه خودش برای خودش دروازه‌ی معنویت بوده است».^(۵)

۱. مطهری، مرتضی، فطرت، چاپ اول، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۶۱.

۲. بلخی رومی، جلال الدین محمد، همان منبع، ص ۱۰۹۸.

۳. اتکینسون، ریتال، انکینسون، ریچارد سن. هیلگارد، ارنست ر. زمینه روانشناسی. زیر نظر و به ویراستاری دکتر محمد تقی براهنی، گروه مترجمان، چاپ هشتم، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۷۳، جلد اول ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۴. بلخی رومی، جلال الدین محمد، همان منبع، ص ۱۹۳.

۵. مطهری، مرتضی، انسان کامل، چاپ هشتم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۲ ص ۹۰.

انسانیت انسان و فضیلت انسانی او فقط بدست خود او ساخته می‌شود.

هر کرا هست از هوسها جان پاک زود بیند حضرت و ایوان پاک^(۱)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ولا تکنوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم»^(۲) همانند کسانی می‌باشید که خدا را فراموش کرده‌اند که خداوند نفوس ایشان را از یادشان می‌برد. پس خودیابی در واقع مقدمه‌ی خدایابی است. خودشناسی مقدمه‌ی خداشناسی است و برعکس.

در تو نمرودیست آتش در مرو رفت خواهی اول ابراهیم شو^(۳)

حدیث مشهور «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^(۴) از امیر مؤمنان ناظر بر

این موضوع است.

بهر این پیغمبر آنرا شرح ساخت

کانکه خود بشناخت یزدان را شناخت^(۵)

این خویشتن‌شناسی بر ادراک فرد از جهان و رفتار او تأثیر می‌گذارد. فردی که از خودشناسی مثبت و نیرومندی برخوردار باشد دیدگاه کاملاً متفاوتی نسبت به جهان و محیط پیرامون خود خواهد داشت. در برابر فرهنگ، تاریخ، تمدن، هنر و ارزشهای دیگران گرفتار خودباختگی نخواهد شد. به عبارت دیگر «بازگشت به خویشتن» بازگشت به فرهنگ و تمدن، افتخارات و ارزشها، تاریخ و هنر خویشتن نیز هست، در این صورت است که انسان خود را باور می‌کند و آشنایی با فرهنگ، تمدن، تاریخ و ارزشهای دیگر

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۶۶.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی حشر، آیه ۱۹.

۳. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۷۶.

۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه حاج محمدعلی انصاری، ص ۶۲۵.

۵. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۸۰۳.

ملت‌ها او را خود باخته نمی‌کند.

القدر ای مؤمنان کآن در شماست در شما بس عالم بی‌متهاست^(۱)
بازگشت به خویشتن بازگشت به اصول و اساس انسانیت است. هر چه
که با فطرت انسان سازگار باشد شادمانی و رضایت از دستیابی به خود
آگاهی و هدف بدنبال دارد.

جان نباشد جز خیر در آزمون هرکرا افزون خبر جانش فزون
جان ما از جان حیوان بیشتر از جزان رو که فزون دارد خبر^(۲)

بیماری «با خود بیگانگی» نیز از پیامدهای پیدایش و ظهور علوم تجربی
و تمدن جدید است. زیرا «فرهنگ و تمدن غربی فرهنگ آگاهی از جهان و
خودفراموشی است. انسان در این فرهنگ به جهان آگاه می‌گردد و هر چه
بیشتر به جهان آگاه می‌گردد بیشتر خویشتن را از یاد می‌برد»^(۳)

نقش اگر خود نقش سلطان یا غنیست صورتست از جان خود بی‌چاشنیست
زیبنت او از برای دیگران بیاز کرد بیهده او چشم و دهان
ای تو در بیگار خود را باخته دیگران را تو زخود نشناخته
تو به هر صورت که آیی بیستی که منم این و الله آن تو نیستی
یک زمان تنها بمانی تو زخلق در غم و اندیشه مانی تا بحلق
این توکی باشی که تو آن اوحدی که خوش و زیبا و سرمست خودی
مرغ خویشی صید خویشی دام خویش صدر خویشی فرش خویشی بام خویش
جوهر آن باشد که قایم با خودست آن عرض باشد که فرع او شدست

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۱۴۷.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۳۱۳.

۳. مطهری، مرتضی، انسان در قرآن، انتشارات صدرا، قم، ص ۶۹.

گر تو آدم زاده‌ای چون او نشین جمله ذریات را در خود بین^(۱)
تجزیه و تحلیل این پدیده‌ی شوم و کشف و بیان زیانهای ناشی از آن و
دعوت به «بازگشت به خویشتن»، با گنجاندن درس «انسان‌شناسی» در
رشته‌های مختلف تحصیلی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی باید یکی از
رویکردهای مهم تلقی گردد.

۲- توجه به تفاوت‌ها در رشد استعداد‌های ذهنی و روانی و اطلاعات و تجربیات و شرایط اجتماعی و فرهنگی

در اواخر سال ۱۹۵۰م یک گروه بسیار فعال از روانشناسان اجتماعی
تحت سرپرستی «کارل هاولند» گرد هم آمدند و الگویی را برای تغییر در
نگرش عرضه نمودند (محرک - پاسخی). آنان چهار عنصر را که در بیشتر
موقعیت‌های متقاعد کننده در تغییر نگرش دخالت دارند مشخص نمودند.
منبع ارائه‌ی پیام متقاعد کننده، ویژگیهای پیام، زمینه‌ای که پیام در آن عرضه
می‌شود، شخصیت دریافت کننده‌ی پیام.^(۲)

این رویکرد ناظر بر ویژگیهای شخصیت دریافت کننده‌ی پیام است.
نمی‌توان تردید داشت که شخصیت مخاطب و خصوصیات جسمانی،
روانی و اخلاقی او در ایجاد و تغییر نگرش و به تبع آن تغییر در رفتار، تأثیر
زیادی دارد. تحقیقات و پژوهشهای روانشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت
ثابت کرده است که در نحوه‌ی درک مفاهیم دینی میان دختران و پسران
تفاوت قابل توجهی وجود ندارد، هر چند ویژگیهای جسمانی و روانی آنان

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۵۷۸.

۲. کریمی، یوسف، همان منبع، ص ۲۸۲.

(تفاوت‌های جنسیتی)^(۱) متفاوت است.

هر کراماتی که می‌جویی بجان او نمودت تا طمع کردی در آن^(۲)

لذا ضرورت دارد که در راستای تعمیق بینش مذهبی دانشجویان دختر و پسر از روشهای آموزشی و تربیتی ویژه‌ای استفاده گردد. از سوی دیگر دین اسلام برای هر یک از گروه پسران و دختران وظایف فردی و اجتماعی خاصی را در خانه و جامعه تعیین کرده است. بنابراین برنامه‌های آموزشی و شیوه‌های تربیتی برای هر دو گروه باید متفاوت باشد.

رفتن این آب فوق آسیاست رفتنش در آسیا بهر شماست^(۳)

وجود تفاوت در رشد استعدادهاى ذهنی و روانی، یا تفاوت‌های فردی - که ریشه در وراثت و محیط دارد -^(۴) و نیز تفاوت در اطلاعات و تجربیات دینی دانشجویان، امروزه در تحقیقات روانشناسی به اثبات رسیده است.

این تفاوت عقلها را نیک دان در مراتب از زمین تا آسمان

هست عقلی همچو قرص آفتاب هست عقلی کمتر از زهره و شهاب

هست عقلی چون چراغ سرخوشی هست عقلی چون ستاره‌ی آتشی^(۵)

متحد نقشی ندارد این سرا تا که مثلی وانمایم من ترا

هم مثال ناقصی دست آورم تا ز حیرانی خرد را واخرم^(۶)

۱. اتکینسون، ریتال و دیگران، همان منبع، جلد اول، ص ۱۶۴ و ص ۱۶۵.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۱۹۷.

۳. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، منبع، ص ۱۳۹.

۴. مان، نرمان ل، اصول روانشناسی، ترجمه و اقتباس دکتر محمود ساعتچی، چاپ هفتم،

انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲، جلد اول، ص ۲۲۰.

۵. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۷۲۹.

۶. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۵۶۲.

این امر ایجاب می‌نماید که تعلیم و تربیت دینی گام به گام صورت گیرد و در هر مرحله اصول و شرایط لازم در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر، هر موضوع دینی را نمی‌توان در هر مرحله تعلیم داد. باید درجه‌ی فکر و توان درک دانشجویان را در نظر گرفت.

چونکه وقت آید که جان گیرد جنین آفتابش آن زمان گردد معین^(۱)
 دستورالعمل کلی: «کلم الناس علی قدر عقولهم» - که پیامبران ملزم به رعایت آن بودند - صحّت این گفتار را تأیید می‌کند.

بیش از این با خلق گفتن روی نیست بحر را گنجایی اندر جوی نیست
 پست می‌گویم به اندازه‌ی عقول عیب نبود این بود کار رسول^(۲)

تعمیق مباحث دینی نیز در هر مرحله باید در حدّ معینی صورت پذیرد و به آن جنبه‌ها که قابل فهم در آن مرحله است باید توجه کرد. زیرا «اهداف تربیتی باید قابل فهم باشد»^(۳)

چونک با کودک سروکارم فتاد هم زبان کودکان باید گشاد^(۴)
 این سخن به این معنی نیست که برای اثبات و تبیین هر موضوع دینی می‌توان از دلایل سست و بی پایه استفاده کرد. استدلالهای بی پایه هر چند ممکن است اثر مثبت کوتاه مدت داشته باشد، امّا در دراز مدت اثرات زیانباری خواهد داشت. تعلیم هر مطلب دینی - هر چند کاملاً صحیح و معتبر باشد - در هر مرحله نمی‌تواند آثار مثبت و سازنده داشته باشد. در

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۱۶۶.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۱۶۸.

۳. شریعتمداری، علی، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۳.

۴. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۶۵۲.

تعالیم دینی ما مسائل مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی، سیاسی و اقتصادی ... مطرح است که از نظر دینی مقبول و معتبر است؛ اما طرح برخی از این مسائل شاید در سطح درک و توان فهم مخاطبان نباشد. لذا آشنایی دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی با علم روانشناسی بویژه روانشناسی رشد، بخش مربوط به نوجوانی و جوانی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. باید پذیرفت که جوانان در دنیای خاص خود زندگی می‌کنند. اگر کسی بخواهد ارتباط فکری و روحی با آنان برقرار نماید باید در دنیای آنان وارد شود. جوانان دنیا را از روزنه‌ای می‌نگرند که با نگاه بزرگترها تفاوت‌های اساسی دارد. لازمه‌ی موفقیت در تعلیم و تربیت دینی جوانان و جلب توجه و علاقه‌ی آنان، داشتن شناخت درست از حساسیت‌ها، خواسته‌ها، تجربیات، احساسات و ظرفیت فکری و ذهنی آنان است تا حصول به هم‌زبانی میسر گردد. از اینروست که دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی جوانان باید هم «دین‌شناس» و هم «جوان‌شناس» باشند. در فرهنگ دینی ما باید این اصل جایگاه ویژه‌ی خود را پیدا کند و کسانی که به آموزش و پرورش دینی اشتغال دارند باید از این جهت نیز توانایی‌های لازم را کسب نمایند.

از دیدگاه «ابراهیم مزلو» (Abraham maslow) «فرهنگ و وضعیت محیطی و اجتماعی در رشد و پویایی شخصیت فرد دخالت می‌کند»^(۱) بنابراین باید پذیرفت که آمادگی، حساسیت، تجربیات و زمینه‌های فکری دانشجویان نسبت به معارف دینی یکسان نیست. دانشجویان از فرهنگ‌های متنوع و خانوادگی مختلف با زمینه‌های فکری و روانی متفاوتی هستند. با

۱. بی‌ریا، ناصر، رهنما، سیداحمد و دیگران، روانشناسی رشد (۲) با نگرش به منابع

توجه به اینکه «هدفهای تربیتی باید قابلیت انعطاف داشته باشند»^(۱) قدرت انعطاف پذیری و آشنایی با علم جامعه‌شناسی و میزان و نحوه‌ی تأثیر محیط و خانواده در شکل‌گیری شخصیت فرد می‌تواند این مشکل مهم و اساسی را حل نماید.

۳- قدرت پاسخ‌گویی معقول و منطقی اساتید معارف دینی به

پرسشهای دینی دانشجویان

تحول سریع در فن آوری ارتباطات در جهان انفجار اطلاعات و تأثیر و تأثر فرهنگها و صحبت از دهکده‌ی واحد جهانی - صرف‌نظر از جنبه‌های مثبت علمی و صنعتی آن بویژه در امر اطلاع‌رسانی - موجب شده است که افکار و ارزشهای غربی - اکثراً اندیشه‌های لیبرالی و لائیک - به سهولت و بسیار ماهرانه و هنرمندانه و جذاب در اختیار نسل جدید قرار گیرد. در این افکار، واژگونی ارزشها اغلب با نفی خدا، دین و اخلاق مجاز شمرده می‌شود و در نسل جوان جوامع سوم (بویژه کشورهای اسلامی) گاهی مؤثر واقع می‌شود، فاصله‌ی نسل جدید را با نسلهای گذشته بیشتر می‌کند و نوعی بی‌تفاوتی و نفرت و احساس حقارت نسبت به دین ایجاد می‌نماید. در این بحران دردناک معنویت، نفس لؤامه موضوعیت ندارد. تعریف از فساد و گناه تغییر می‌یابد. هدف نهایی انسان ارضاء نفس و شهوات است و گناه توجیه عقلی می‌گردد. افول دین نشانه‌ی ترقی و پیشرفت است و دین نماد عقب‌ماندگی اجتماعی و مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و باورها و رفتارهای بازدارنده‌ی آزادی محسوب می‌شود. این امر امروزه پیچیدگیهایی را در

۱. شریعت‌مدای، علی. همان منبع. ص ۱۰۱.

برنامه‌ی تبلیغی و آموزشی تعالیم دینی بوجود آورده است. انواع سؤالات در ارتباط با امور دینی مطرح می‌گردد و انتظار این است که پاسخهای قانع کننده و منطقی در برابر سؤالات دریافت شود. لذا مسؤولیت دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی در جهان امروز بسیار سنگین تر از گذشته است.

دشمنی عاقلان زین سان بود زهر ایشان ابتهاج جان بود^(۱)

این رویکرد بنا بر نظریه‌ی «هاولند» ناظر بر منبع ارائه‌ی پیام متقاعد کننده است. پیام رسان می‌تواند به همان اندازه مهم باشد که خود پیام. «هاولند» و همکاران او مقبولیت پیام رسان را در احتمال تغییر نگرش و رفتار مورد تأکید قرار داده‌اند و پنج عامل را در ایجاد مقبولیت حائز اهمیت می‌دانند: تخصص، مورد اعتماد بودن، به نفع خود استدلال نکردن، جذابیّت، شباهت پیام رسان به گیرندگان پیام.^(۲)

خوی شاهان در رعیت جا کند چرخ اخضر خاک را خضرا کند^(۳)

بر پایه‌ی این نظریه، مسؤولیت خطیر پیام رسانان دینی جامعه ایجاب می‌نماید که علاوه بر تخصص در فهم متون دینی در متافیزیک، معرفت‌شناسی، اخلاق، اسطوره‌شناسی، جامعه‌شناسی و مباحث جدید غرب، اطلاعات لازم و کافی کسب کنند تا بتوانند پاسخهای روشنگرانه ارائه دهند. کوچکترین نشانه دال بر ضعف علمی مسلماً موجب سلب اعتماد می‌گردد. برخورداری از توان بالای علمی در علوم قدیم و جدید و نیز شناخت فرهنگ خودی و فرهنگ‌های دیگر بویژه نحوه‌ی انتقال و ارزش

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۲۵۶.

۲. کریمی، یوسف، همان منبع، ص ۲۸۳.

۳. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۱۲۸.

سنجی و توسعه و پیشرفت میراث فرهنگی^(۱) از رویکردهای مهم و ضروری در تعلیم و تربیت دینی عصر جدید تلقی می‌گردد. لازمه‌ی این امر آشنایی با نیازها و مقتضیات زمان خویش است. بدون تردید هدایت نسل جدید تشنه‌ی معنویت، با زبانی آشنا و قابل فهم توان مقابله با تهاجم گسترده‌ی فرهنگی بیگانگان را در حال و آینده افزون خواهد کرد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«العالم بزمانه لاتهجم علیه اللوابس»^(۲) کسی که آگاه به روزگار خویش باشد مورد هجوم شبهات قرار نمی‌گیرد.

شخصیت قابل احترام، داشتن نظم در گفتار و کردار، آراستگی ظاهر، متانت و وقار، ادب در برخوردهای اجتماعی، احساس مسؤولیت، تسلط بر خود و پرهیز از خودخواهی، انصاف و عدل و احترام به ارزشها و علائق و شخصیت مخاطبان از اصولی است که در ایجاد مقبولیت و محبوبیت تأثیر بسزایی خواهند داشت. مقبولیت نیز جزء مهم درونی کردن افکار، باورها و رفتارهاست. اگر در مواردی ارزشها و خواسته‌های مخاطبان با اصول و موازین شرعی مغایرت صریح داشته باشد توصیه می‌شود با ظرافت و دقت خاص، اشتباه در فکر و عقیده‌ی آنان یادآوری گردد.

حصر معارف دینی در مسائل نظری و کلامی به سبک سنتی و عدم ارتباط آن با نیازها و مسائل روز سبب می‌شود که پویایی دین از بین برود. معارف دینی از جاذبه‌ی لازم برخوردار نگردد و دین در نظر مخاطبان بعنوان مسائلی تلقی گردد که به درد زندگی بشر امروزی نمی‌خورد. توجه افراطی بر

۱. شریعتمداری، علی، همان منبع، ص ۲۸.

۲. شعبه الحرائی، ابی محمد حسن، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، کتابفروشی

اسلامیه، تهران، ۱۴۰۰، ص ۳۷۲.

اندیشه‌ی سنتی، انسان را از برخورد شایسته با مسائل جدید نیز ناتوان می‌سازد. وظیفه‌ی ما، عرضه‌ی ایمان و تفهیم اندیشه‌ی دینی به مخاطبان زمان خود است. این امر در صورتی تحقق خواهد یافت که ذهن و زبان مخاطبان شناخته گردد و شبهات جدید به روشنی فهمیده شود. لذا «سنت زدگی در برخورد با مسائل جدید آفت مهم محسوب می‌گردد. سنت‌زدایی افراط‌گرایان، عامل مهم در ظهور سنت‌زدایی به عنوان عکس‌العمل آن است. خودباختگی فرهنگی نیز از دیگر عوامل آن است. سنت‌زدایی منشأ آفات زیادی در فرهنگ معاصر است.»^(۱)

رابطه‌ی صمیمی به جای برخورد رسمی، استفاده از شیوه‌های منطقی، ایجاد اعتماد، اجتناب از بی‌مهری و سختگیری و شیوه‌های تعصب‌آمیز، برخورداری از بلند نظری و سعه‌ی صدر و فرصت تفکر و اظهار نظر و ابراز وجود دادن به دانشجویان از اصولی است که باید در پاسخ‌گویی به سوالات دینی مورد توجه قرار گیرد.

سخت‌گیری و تعصب خامی است تا جینی کار خون آشامی است^(۲)
 زان نمی‌خندم من از زنجیرتان که بکردم ناگهان شبگیرتان
 زان همی خندم که با زنجیر و عُل می‌کشمتان سوی سروستان و گل
 جمله در زنجیر بیم و ابتلا می‌روند این ره بغیر اولیا^(۳)

۴- توجه به ادبیات خاص دین

این رویکرد ناظر بر ویژگیهای پیام در نظریه‌ی «هاولند» است. بدون شک

۱. فرامرز قراملکی، احد، همان منبع، ص ۱۷۰ و ۱۷۲.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۳۹۰.

۳. همان منبع، ص ۵۳۱.

محتوای معارف دینی دارای ویژگیهایی است که علوم دیگر فاقد آن هستند. لذا در تفسیر و توضیح مباحث دینی باید زبان و ادبیات خاص آن مورد توجه قرار گیرد. بنابر نظر تحلیلگران زبانی، وظایف زبان دینی تفاوت زیادی با وظایف زبان علمی دارد. زبان دین از مسائلی است که امروزه در «فلسفه‌ی علم» مطرح می‌شود. پل تیلیخ (pull tillicg) از متفکران عصر حاضر بر این باور است که ایمان دینی که وضعیتی حاکی از «غایت قصوی» در باب هستی‌گائی است تنها می‌تواند خود را در زبان نمادین بیان کند.^(۱)

این سخن هم راستست از روی آن	که بماهیت ندانیش ای فلان
عجز از ادراک ماهیت عمو	حالت عامه بود مطلق مگو
زانک ماهیات و سرّ سرّ آن	پیش چشم کاملان باشد عیان
در وجود از سرّ حق و ذات او	دورتر از فهم و استبصارگو
چونک آن مخفی نمائد از محرمان	ذات و وصفی چیست کان مائد نهان
عقل بحثی گوید این دورست و گو	بی زتأویلی محالی کم شنو ^(۲)

بدیهی است که بسیاری از مفاهیم و اصطلاحات در مباحث دینی به شیوه‌ای بکار رفته است که کاربرد آنها در معانی متداول غیر دینی متفاوت است. مثلاً وقتی می‌گوییم «خداوند بیناست» مقصود این نیست که چشم دارد و با چشمان خود همانند انسان می‌بیند. روشن است که میان کاربرد بشری و مرسوم این عبارت و کاربرد دینی آن اختلاف مفهومی فاحشی وجود دارد.

گرچه عاجز آمد این عقل از بیان عاجزانه جنبشی باید در آن

۱. هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه بهرام راد، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران، ۱۳۷۲، ص

۱۷۶.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۴۹۱.

ان شـیئاً کـله لا یـدرک اعـلموا ان کـله لا یـترک
 گوـتانی خـورد طـوفان سـحاب کی تـوان کـردن تـبرک خـورد آب
 راز را گـرمی نیاری در میان درکها را تـازه کن از قـشر آن
 نطقها نسبت به تو قـشرست لیک پیش دیگر فهمها مغزست نیک^(۱)

بنابراین اگر زبان تخصصی دین در تبیین مفاهیم و اصطلاحات دینی بکار گرفته نشود، تعلیم و تربیت دینی با ابهام و مشکلات زیادی مواجه خواهد شد. و اینتهد می‌گوید:

«همه‌ی افراد بشر از بارقه‌هایی از بصیرت برخوردارند که در ورای آن دسته از معانی که در علم ریشه‌یابی کلمات و قواعد زبان تثبیت شده‌اند قرار دارند. بدین ترتیب نقش ادبیات، نقش علوم خاص و نقش فلسفه ظاهر می‌شود که به طرق مختلفه سعی دارند برای معانی که هنوز توصیف نشده‌اند، بیان و توصیفات زبانی مناسبی پیدا کنند.»^(۲)

باید اذعان کرد که دین شامل احساسها، ارزشها و اشارات پیرامون «بینهایت مطلق»، یعنی خدا و حقایق جهان هستی است. اما آیا می‌توان گفت که بکارگیری همه‌ی اصطلاحات دینی در مورد حقایق جهان هستی استعمال تمثیلی و نمادین و سمبلیک است؟ عده‌ای از متفکران مسیحی از جمله «توماس آکوئیناس» (thomas Aquinas) و پل تیلیخ تلاش نموده‌اند همه گزاره‌های دینی را به روش تمثیل و نمادین تفسیر نمایند.^(۳) هرچند در

۱. همان منبع، ص ۷۱۰.

۲. وایتهد، آلفرد نورث، همان منبع، ص ۶۰۰.

۳. هیک، جان، همان منبع، ص ۱۷۱ و ۱۷۵.

این مورد تعمیم ناروا صورت گرفته است، اما می‌توان به قطع و یقین بیان کرد که ادبیات دینی ما از اصطلاحات، نمادها، داستانها و تمثیل‌ها خالی نیست، ولی اینگونه نیست که همه‌ی حقایق دینی به روش نمادین و سمبلیک قابل تفسیر باشند. در قرآن کریم در موارد متعددی استعمال نمادین و سمبلیک بکار رفته است. (آیه‌ی ۶۴ سوره‌ی مائده و آیه‌ی ۳ سوره‌ی یونس و...).

عالم و عادل همه معناست و بس کیش نیابی در مکان و پیش و پس^(۱) لیکن گاهی زبان عرفی و متداول بکار می‌رود (آیات متشابه). گاهی نیز داستانهایی از اقوام پیشین و زندگی پیامبران الهی نقل می‌شود که معانی حقیقی آنها مورد نظر است. خداوند در مورد داستان فرزندان حضرت آدم (ع) می‌فرماید: و اتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق و درباره‌ی داستانهای انبیاء می‌فرماید: «ان هذا لهو القصص الحق»^(۲)؛ «نحن نقص علیک نباهم بالحق»^(۳) با وجود اینکه تعدادی از دانشمندان اسلامی از جمله زمخشری، طبری، فخر رازی، اقبال لاهوری، محمد عبده و رشید رضا، سمبلیک و تمثیلی بودن این داستانها را مسلم دانسته‌اند لیکن واژه‌ی «بالحق»، «الحق» در آیات فوق‌الذکر واقعی بودن این داستانها را ثابت می‌نماید. لذا رویکرد پیشنهادی در این زمینه فراگیری نحوه‌ی استعمال و جایگاه نمادها و سمبل‌ها و تمثیلات در معارف دینی و مباحث «زبان دین» و آشنایی با آن است.

۵- جامع‌نگری به اسلام

این رویکرد ناظر بر ویژگیهای پیام است. اسلام دینی جامع و چند بعدی

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۵۰.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۲.

۳. قرآن کریم، سوره‌ی کهف، آیه ۱۳.

است و بدین سبب «هدفهای تربیتی در اسلام باید جامع باشد».^(۱) لذا انسان کامل اسلام «انسانی است که همه‌ی ارزشها در حد اعلی و هماهنگ با یکدیگر در او رشد کند».^(۲)

مهر و هیبت هست ضدّ همدگر این دو ضد را دید جمع اندر جگر^(۳) یکی از اصول نظریه‌ی «ژان پیاژه» (Jean piaget) هماهنگی و موازی بودن رشد شناختی با رشد عاطفی و اجتماعی است. بگونه‌ای که جدا کردن این ابعاد از یکدیگر به نظر غیر ممکن می‌نماید.^(۴) وحدت شخصیت انسان از دیدگاه «مزلو»^(۵) و جامع‌نگری انسان در مکتب روانشناسی گشتالت^(۶) (gestalt) به نوعی در صدد تبیین این اصل هستند. و ایتهد می‌گوید: «حیات طفل بطورکل موضوع تعلیم و تربیت را تشکیل می‌دهد».^(۷)

خود، هم او آبت و هم ساقی و مست هر سه یک شد چون طلسم تو شکست^(۸)

پرورش فکر، روح و جسم، شکوفایی بعد فردی و اجتماعی، اصول اعتقادی، اخلاقی، سیاسی، تربیتی و اقتصادی، گرایشهای فلسفی، عرفانی، کلامی و علمی، مسائل عبادی، احساسی و عاطفی، امور دنیوی و اخروی

۱. شریعتمداری، علی، همان منبع، ص ۳۳.
۲. مطهری، مرتضی، انسان کامل، ص ۵۲.
۳. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۶۷.
۴. بی‌ریا، ناصر، رهنما، سیداحمد و دیگران، همان منبع، ص ۵۸۱.
۵. همان منبع، ص ۹۷۳.
۶. اتکینسون، ریتال...، همان منبع، جلد دوم، ص ۲۵۳.
۷. شریعتمداری، علی، همان منبع، ص ۱۹۶.
۸. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد. همان منبع. ص ۲۱۱.

همه از اموری هستند که در اسلام از اهمیت خاصی برخوردارند.

همه می‌کوشیم باورها، نگرشها، و رفتارهایمان از همسازی برخوردار باشد و ناهمسازی آنها عامل محرکی است که ما را برمی‌انگیزاند تا باورها، نگرشها و رفتارهای خود را بگونه‌ای تغییر دهیم که بصورت یک مجموعه‌ی منطقی یا لاقبل منسجم در آیند (همسازی شناختی).^(۱) لذا باید «رشد در جنبه‌های مختلف انسان صورت گیرد»^(۲) در فرآیند تربیت باید همه‌ی جنبه‌های بدنی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی، دینی و هنری انسان مورد توجه قرار گیرد.

ذوق جنس از جنس خود باشد یقین ذوق جزو از کل خود باشد بیین^(۳)

بر پایه‌ی نظریه‌ی ناهماهنگی شناختی «لئون فستینگر» (leon festinger) در مورد الگوهای تغییر در نگرش «دو شناخت که با یکدیگر ناهماهنگ باشند احساس ناراحتی بوجود می‌آورند و این امر شخص را برمی‌انگیزد که ناهماهنگی را از میان بردارد و شناخت‌های خود را به حالت توازن برگرداند.»^(۴) لذا اهمیت دادن به بعد خاصی از تعالیم دینی و غفلت از دیگر ابعاد اسلام؛ تک بعدی بودن و یک بعدی تربیت کردن و مخالف با روح آموزشهای دینی است و ایجاد ناهماهنگی می‌کند.

جزو از کل قطع شد بی‌کار شد	عضو از تن قطع شد مردار شد
تسا نپيوندد بکل بار دگر	مرده باشد نبودش از جان خیر
ور بجنبد نیست آن را خود سند	عضو نو ببریده هم جنبش کند

۱. اتکینسون، ریتال...، همان منبع، جلد دوم، ص ۳۴۵.

۲. شریعتمداری، علی، همان منبع، جلد دوم، ص ۱۳.

۳. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۴۳.

۴. اتکینسون، ریتال...، همان منبع، جلد دوم، ص ۳۵۳.

جزو از این کل گر بود یکسورود
این نه آن کست کو ناقص شود
قطع و وصل او نیاید در مقال
چیز ناقص گفته شد بهر مثال^(۱)

محور قرار دادن اخلاق، عبادت، سیاست یا دیگر تعالیم اسلامی بدون حفظ محوریت توحید، بی ارزش قلمداد کردن سایر ابعاد اسلامی خواهد بود. اگر علم بدون عبادت مذموم است، عبادت بدون علم نیز نامقبول است.

برقرین خویش مفزا در صفت
کآن فراق آرد یقین در عاقبت^(۲)

یکی از مشکلات اساسی در تعلیم و تربیت دینی یک جانبه نگری و بی توجهی به جامعیت اسلام است. لذا یکی از رویکردهای نظام آموزشی دانشگاهها باید جامع نگری به اسلام و برنامه ریزی در جهت پرورش همه جانبه ی ابعاد وجودی انسان باشد.

۶- تلفیق علم و عمل

این رویکرد ناظر بر ویژگیهای پیام رسان است. در تعالیم اسلامی تأکیدی زیادی بر پیوستگی کامل میان علم و عمل صورت گرفته است. زیرا توأم بودن علم و عمل معرفت زاست و در اینجا تغییر در رفتار بسیار مؤثر است. اسلام عملی را که از روی علم نباشد سخت نکوهش می کند و آنرا سبب تباهی انسان می داند. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «من عمل علی غیر علم کان ما یفسد اکثر مما یصلح»^(۳) آنکه بدون علم به عمل برخیزد بیش از آنکه

۱. بلخی رومی، جلال الدین محمد، همان منبع، ص ۴۱۷.

۲. همان منبع، ص ۳۲۰.

۳. کلینی رازی، ابن جعفر محمد، الاصول من الکافی، صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸، هج، الجزء الاول، ص ۴۴.

اصلاح کند سبب تباهی می شود و نیز علمی را که توأم با عمل نباشد جز وبال برای صاحب آن نمی شناسد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «کل علم وبال علی صاحبه الا من عمل به»^(۱) هر علمی وبال صاحب خویش است مگر کسی که به علم خود عمل کند.

جمع بندی آیات و روایات در این زمینه، مؤید این مطلب است که اندیشه‌ی ناخالص نمی تواند به رفتار اخلاقی بینجامد. اما اگر اندیشه بطور عمیق با جان و عواطف انسانی گره بخورد به رفتار اخلاقی منجر خواهد شد. در دین اسلام به «تبلیغ عملی» بسیار بیشتر از «تبلیغ زبانی» تأکید شده است. زیرا تبلیغ عملی مؤثرتر و نافذتر است و در درونی کردن ارزشها بسیار سودمندتر می باشد. امام صادق (ع) می فرماید: «کونوا دعاه للناس بغیر السننکم، لیروا منکم الورع و الاجتهاد و الصلوه و الخیر، فان ذلک داعیه»^(۲) مردم را با غیر زبان خود دعوت کنید تا ورع و کوشش و نماز و نیکی شما را ببینند که آن انگیزه است. در روانشناسی تربیتی ثابت شده است که «ارتباط غیرکلامی» بسیار نافع تر و اثر بخش تر از «ارتباط کلامی» است.

بر اساس نظریه «فستینگر» دست زدن به یک رفتار ضد نگرشی بیشترین ناهماهنگی را بوجود می آورد و این نیز در شرایطی که دلیل بسیار موجهی برای انجام دادن آن رفتار وجود نداشته باشد به بیشترین تغییر در نگرش می انجامد.^(۳) لذا می توان گفت دوگانگی در گفتار و کردار هم اثر خود را از دست می دهد و هم نتیجه‌ی منفی بدنبال دارد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، الطبعة الثالثة المصحح، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳، حق، الجزء الثاني، ص ۳۸.

۲. کلینی رازی، ابی جعفر محمد، همان منبع، الجزء الثاني، ص ۷۸.

۳. اتکینسون، ریتال... همان منبع، جلد دوم، ص ۳۵۳.

گر گواه قول کژ گوید ر دست ور گواه فعل کژ پوید ر دست
 قول و فعل بی تناقض بایدت تا قبول اندر زمان بیش آیدت^(۱)
 علت سودمند بودن تبلیغ عملی وجود غریزه‌ی نیرومند تقلید در وجود
 انسان است

دل بدو دادند ترسایان تمام خود چه باشد قوت تقلید عام^(۲)
 بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس
 پوشیدن، طرز سخن گفتن و... به سبب وجود این غریزه فرا گرفته می‌شود.
 این یادگیری و تغییر در نگرش و رفتار بصورت غیر مستقیم اتفاق می‌افتد و
 انسان با مشاهده‌ی رفتار دیگران با رفتارهای جدید آشنا می‌شود.

وای آن زنده که با مرده نشست مرده گشت و زندگی از وی بجست^(۳)
 قرآن کریم یادگیری و تغییر در نگرش و رفتار را از طریق تقلید، از
 روشهایی می‌داند که انسان طرز برخورد مناسب با محیط اطراف خود و
 شیوه‌های منطقی حل مشکل را می‌آموزد و موفق به حل مشکلات خود
 می‌شود. خداوند در داستان قابیل و ناتوانی او در پنهان کردن جسد هابیل
 می‌فرماید: «فبعث الله غرا با یبحث فی الارض لیریه کیف یواری سواه اخیه
 قال یا ویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب فاواری سواه اخی»^(۴)
 خداوند کلاغی را فرستاد که زمین را بکند تا به او نشان دهد که چگونه جسد
 برادر خود را در زیر خاک پنهان سازد. {قابیل} با خود گفت وای بر من آیا
 عاجزم از اینکه همانند این کلاغ باشم و جسد برادرم را زیر خاک پنهان کنم.

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۷۲۰.

۲. همان منبع، ص ۲۱.

۳. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۷۲.

۴. قرآن کریم، سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳۱.

از آنجا که انسان بسیاری از رفتارها و گفتارهای خود را از طریق تقلید یاد می‌گیرد، وجود الگوها و سرمشق‌های نیکو و شایسته در جامعه و مراکز علمی در یادگیری و تغییر نگرش و رفتار اهمیت زیادی می‌یابد. بدین سبب «یکی از راههای بسیار معمول یادگیری، روش سرمشق‌گیری و الگوبرداری از رفتار دیگران از طریق مشاهده‌ی رفتار آنان است»^(۱)

قرآن کریم با توجه به نقش مؤثر این روش در یادگیری و تغییر در نگرش و رفتار؛ رسول اکرم (ص) را بعنوان بهترین الگو معرفی نموده است: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»^(۲) همانا رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است. رسول گرامی اسلام نیز معصومین (ع) را پس از خود بعنوان سرمشق برای مردم معرفی کرده است: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی...»^(۳) همانا من میان شما دو امانت گرانبها؛ یعنی قرآن و اهل بیتم را به جای می‌گذارم.

دامن او گنیز زوتسر بی‌گمان تارهی در دامن آخر زمان^(۴)
 نفس نمرودوست و عقل و جان خلیل روح در عینست و نفس اندر دلیل
 ایسن دلیل راه ره رو را بود کوبه هر دم در بیابان گم شود^(۵)

مفهوم سرمشق‌گیری یا الگوبرداری بسیار فراتر از مفهوم تقلید صرف است. در عرفان اسلامی نیز الگو و سرمشق بسیار مورد تأکید قرار می‌گیرد. این امر بدان سبب است که سیر و سلوک عملی در عرفان بدون سرمشق‌گیری

۱. سیف، علی اکبر، روانشناسی تربیتی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۷، ص ۳۴۷.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۲۱.

۳. مجلسی، محمدباقر، همان منبع، الجزء الثالث و العشرون، ص ۱۰۶.

۴. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۲۳.

۵. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۳۱۲.

و الگوبرداری از یک پیر یا مرشد یا قطب یا... امکان پذیر نیست.

پیر را بگزین که بی پیر این سفر هست بس پرآفت و خوف و خطر^(۱)
 مولانا - در قصه‌ی آن زن که طفل او بر سر ناودان غیژید و خطر افتادن بود
 و از حضرت علی (ع) چاره جست - به این سرمشق دهی اشاره می نماید:
 یک زنی آمد به پیش مرتضی گفت شد بر ناودان طفلی مرا^(۲)
 یکی از نظریه‌های یادگیری در روانشناسی - که هم جنبه‌ی رفتاری دارد و
 هم شناختی - نظریه‌ی یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری اجتماعی است.
 مهمترین نظریه پرداز در این زمینه «آلبرت بندورا» (Albert Bandura)
 است. بر پایه‌ی این نظریه، یادگیرنده از طریق مشاهده‌ی رفتار دیگران به
 یادگیری می پردازد.^(۳) در صورت تعمیم، از این روش می توان برای آموزش
 رفتارهای مطلوب در مراکز علمی و در سطح جامعه استفاده کرد. توجه به
 این نکته‌ی حیاتی ضروری است که شکست یا پیروزی دین در جوامع بشری
 اغلب در گرو رفتار و کردار دینداران آن جامعه است تا آموزشهای نظری
 دینی. افکار عمومی بیشتر به رفتار افراد یک جامعه توجه می کنند تا دلایل
 آنها در اثبات و تبیین اصول اعتقادی خویش. اغلب مخالفت‌ها نه با خود
 دین بلکه با اعمال مدعیان دینداری صورت می گیرد. اگر دینداران یک
 جامعه، ارزشهای دینی و اخلاقی را از طریق اعمال و رفتار و شخصیت
 خویش به دیگران انتقال دهند یقیناً موجبات رغبت و اشتیاق مردم را نسبت
 به دین فراهم نموده و بینش مذهبی را بویژه در جوانان تعمیق خواهند
 بخشید. در غیر این صورت، بی میلی و نفرت به دین در جامعه، امری اجتناب ناپذیر

۱. همان منبع، ص ۱۳۳.

۲. همان منبع، ص ۶۵۵.

۳. سیف، علی اکبر، پیشین، ص ۱۷۶.

خواهد بود. به طور نمونه می‌توان به رفتار سپاهیان اسلام با مردم شام و فلسطین اشاره نمود که بمراتب ساده‌تر از حکومت‌های دست‌نشاندهی امپراطوری روم بود و یکی از عوامل پیروزی اسلام به شمار می‌رفت. (۱)

پسند فعلی خلق را جذاب‌تر که رسد در جان هر باگوش و کر
اندر آن وهم امیری کم بود در حشم تأثیر آن محکم بود (۲)

فرایند «همانند سازی» در روانشناسی - که همان روش سرمشق‌گیری یا الگودهی در متون دینی است - به «فرایندی ناهشیار اطلاق می‌شود که فرد طی آن ویژگی‌های (نگرشها، الگوهای رفتاری، هیجانها) فرد دیگری را برای خود سرمشق قرار می‌دهد و چیزی فراتر از تقلید صرف است». (۳)

در علم روانشناسی تحقیقاتی چند در ارتباط با عوامل مؤثر در همانند سازی صورت گرفته است که نتایج این تحقیقات می‌تواند کم و بیش و در حد ضرورت در جامعه‌ی ما مورد توجه قرار گیرد. «نتایج چند مطالعه نشانگر آن است که بزرگسالانی که گرم و نوازشگرند بیشتر مورد تقلید و همانندسازی قرار می‌گیرند تا کسانی که فاقد این ویژگیها هستند. قدرتی که یک فرد بزرگسال برای کنترل محیط کودک اعمال می‌کند به همانندسازی اثر می‌گذارد. سومین عامل مؤثر در همانندسازی عبارت است از ادراک کودک از شباهت‌هایی که بین فرد و الگوی منتخب خود می‌بیند». (۴)

در همانند سازی، جذابیت سرمشق و الگو اهمیت زیادی دارد. هر چه

۱. شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۰۸.

۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، همان منبع، ص ۵۶۵.

۳. اتکینسون، ریتال... پیشین، جلد دوم، ص ۱۵۸.

۴. اتکینسون، ریتال... همان منبع، جلد دوم، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

جاذبه و کشش شخص یا گروهی که فرد می‌خواهد خود را با آن همانند کند بیشتر باشد، اعتقاد و افکار او بیشتر در ژرفای وجود او نفوذ خواهد کرد و درونی خواهد شد. «اگر شخص صاحب نفوذ مورد اعتقاد ما باشد و قضاوتش را معتبر بدانیم عقیده‌ای را که وی از آن جانبداری می‌کند می‌پذیریم و با نظام ارزشهای خود ادغام می‌کنیم، اما پس از اینکه این عقیده در سلک نظام عقیدتی ما در آمد از منبع خود مستقل می‌شود و در مقابل تغییر به سختی مقاومت می‌کند.»^(۱)

عکس گاوّل زد تو آن تقلید دان چون پی‌پی شد شود تحقیق آن^(۲)

نکته‌ی مهم در همانندسازی این است که «پاداش یا تنبیه مداوم در آن ضرورت ندارد. شخصی که فرد با او همانند می‌شود لازم نیست که اصولاً حضور داشته باشد. آنچه که ضرورت دارد تمایل و آرزوی فرد برای همانند شدن با آن شخص است.»^(۳)

آنچه که امروزه می‌تواند یک رویکرد مهم تلقی گردد این است که همه‌ی مدعیان دینداری در خانواده‌ها، مدرسه، دانشگاه و جامعه در عمل، ارزشهای دینی را حفظ کنند و خود را با آن هماهنگ سازند.

شیر حقم نیستم شیر هوا فعل من بردین من باشد گوا^(۴)

شرح زندگانی بزرگان و مشاهیر و دانشمندان و قهرمانان دینی و ساختن فیلم از زندگی آنان می‌تواند در این زمینه برای جوانان بسیار مفید باشد.

۱. ارونسون، الیوت، روانشناسی اجتماعی، مترجم دکتر حسین شکر کن، چاپ نهم، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۷۴، ص ۳۴.
۲. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، پیشین، ص ۲۰۵.
۳. ارونسون، الیوت، پیشین، ص ۳۵.
۴. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، پیشین، ص ۱۶۷.

۷ - تصحیح و توضیح عقاید و مفاهیم و ارائه یک نظام منسجم توحیدی

اندیشه‌ی دینی در طول تاریخ و در جوامع مختلف همواره در معرض تحریف‌ها، انحراف‌ها و کج فهمی‌ها قرار داشته است. دین اسلام نیز از این امر مستثنی نبوده و نیست.

غرق گشته عقلهای چون جبال در بحار وهم و گرداب خیال
 کوهها را هست زین طوفان فضوح کو امانی جز که در کشتی نوح
 زیرن خیال ره زن راه یقین گشت هفتاد و دو ملت اهل دین
 مرد ایقان رست از وهم و خیال سوی ابرو را نمی‌گوید هلال^(۱)

احیاء و بازنگری و بازفهمی اندیشه‌ی دینی در جهان امروز یکی از ضرورت‌ها محسوب می‌شود. در آموزه‌های دینی مفاهیم متعددی وجود دارد که نیازمند شرح و بسط منطقی و معقول است و باید به صورت روشن و قانع کننده تبیین گردند. ارائه‌ی باورهای دینی بصورت پراکنده چه بسا موجب ایجاد تردید و تشکیک در میان معتقدان به دین اسلام گردیده است. ارائه‌ی یک نظام منسجم توحیدی از باورها و نگرشها و رفتارها و تمایز اصول و فروع دین می‌تواند بسیاری از ابهام‌ها و تردیدها را از میان بردارد. اثبات آموزه‌های دینی به صورتی که مورد تصدیق مخاطبان قرارگیرد نیازمند عقلانی کردن آن تعالیم و رعایت ذهن و زبان مخاطبان است. حضور در دنیای خاص مخاطبان نباید مورد غفلت قرارگیرد.

تک‌مران، در کش‌عنان، مستور به هر کس از پندار خود مسرور به^(۲)

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، پیشین، ص ۸۳۰.

۲. همان منبع، ص ۱۶۰.

امروزه «فلسفه‌ی دین» عهده دار مطالعه و تحقیق در این زمینه است. «فلسفه‌ی دین، مفاهیم و نظامهای اعتقادی دین و نیز پدیدارهای اصلی تجربه‌ی دینی و مراسم عبادی و اندیشه‌ای را که این نظامهای عقیدتی بر آن مبتنی هستند مورد مطالعه قرار می‌دهد».^(۱)

بطور قطع دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت دینی در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، دیندارانی هستند که بخاطر دغدغه‌ی دینی قصد شناساندن، تعلیم و تبلیغ اندیشه‌ی دینی را دارند. لذا باید «مفاهیم اندیشه‌ها»، «زندگی دینی»، «دین زنده و پویا»، «دین و زندگی»، «فلسفه‌ی زندگی» را معنی کنند و بصورت سیستماتیک برای زبان مخاطبان قابل قبول سازند. آشنایی با «فلسفه‌ی دین» و رویکرد به آن می‌تواند کمک مؤثری در این زمینه باشد.

۸- دفع نظریات معارض

در جهان امروز با مباحث و مسائل جدیدی در مغرب زمین مواجه هستیم. مهمترین عامل پیدایش این مباحث، ظهور مبانی و رویکردهای نوین در جهان اندیشه است. این مباحث اکثراً موجب شکل‌گیری شبهات جدید می‌گردد. مباحث «زبان دین»، «فلسفه‌ی دین» «جامعه‌شناسی دین» و «روانشناسی دین»، که امروزه بطور جدی مطرح است، در گذشته هیچ‌گاه بطور مستقل طرح نشده است. راه حل این شبهات این نیست که آنها را ناشی از انحراف اندیشه‌ی بشری و وساوس شیطانی در عصر جدید بدانیم و بگوییم امور باطلی هستند که باید از صفحه‌ی ذهن انسان حذف شوند. اول؛ در اینصورت نه تنها آن شبهات را از بین نبرده‌ایم بلکه شبهه‌ی

ضعف و ناتوانی دین در پاسخ‌گویی به مسائل جدید را به آن افزوده‌ایم. دوم؛ این شبهات نتایج جهانی دارند؛ یعنی روز به روز بر وسعت و دامنه‌ی این شبهات در سطح جهان افزوده می‌گردد و در جامعه‌ی ما نیز کم و بیش مطرح می‌شود. پویایی دین اسلام اقتضاء می‌کند که پاسخ‌های قابل قبول و افناعتی عرضه گردد و جلوی تشویش اذهان گرفته شود.

وربگویی شکل استفسار گو با شهنشاها تومسکین وارگو^(۱) سوم؛ بر اساس سخن مشهور «تعرف الاشیاء باضدادها» و نیز با توجه به اینکه تبیین درست و روشن بطلان یک اندیشه‌ی غیر دینی، کمک مؤثری برای اثبات حقانیت اندیشه‌های دینی خواهد بود، لازم است مباحث و اندیشه‌های جدید بطور روشن، تجزیه و تحلیل و مورد بحث و نقد قرار گیرد.

گر همی دانسی ره نسیکو پوسیتدانی چون بدانسی کین بدست؟
 بدندانسی تاندانی نیکبولد را از ضد توان دید ای فتی^(۲)
 جز به ضد، ضد را همی نتوان شناختون بییند زخم بشناسد نواخت^(۳)
 بی زضدی ضد را نتوان نولنوشه بی مثل را ضدی نبود^(۴)
 اصولاً استدلال یک جانبه در مقابل استدلال دو جانبه برای مخاطبان آگاه و باهوش تأثیر کمتری دارد و اعتماد و عدالت پیام رسان را در نزد مخاطب کاهش می‌دهد. «اگر یک مُبَلِّغ استدلال‌های مخالف را هم بازگو کند

۱. بلخی رومی، جلال‌الدین محمد، پیشین، ص ۳۱۸.

۲. همان منبع، ص ۶۰۰.

۳. همان منبع، ص ۷۳۶.

۴. همان منبع، ص ۹۹۷.

ممکن است حاکی از این باشد که او فردی عادل است. این امر می‌تواند تأثیر او را ازدیاد بخشد. هر چه شنوندگان باهوش‌تر باشند احتمال اینکه با استدلالی یک‌جانبه مجاب شوند کمتر است و احتمال متقاعد شدن آنها با استدلالی که دلایل مخالف را بازگو کرده و سعی در ابطال آنها دارد بیشتر است.»^(۱)

چهارم؛ قرآن کریم مخالفین را علناً دعوت به ارائه‌ی دلایل خود نموده است: «قل هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین»^(۲) اگر راست می‌گویید دلیل خود را عرضه کنید. در موارد زیادی نیز خود قرآن از حجت و استدلال عقلی برای دفع نظرات مخالف سود جسته است. آیه‌ی شریفه «ولو کان من عند غیرالله لوجدوا فيه اختلافاً کثیراً»^(۳) اگر قرآن از سوی غیر خدا باشد در آن اختلاف زیادی یافت می‌کنند. و آیه شریفه «ولو کان فیهما الهه الا الله لفسدتا»^(۴) اگر در آسمانها و زمین خدایانی غیر از خدا باشد، به تباهی کشیده می‌شوند. نمونه‌هایی از این دسته آیات هستند.

پیدایش مباحث جدید، روشهای تازه و مبانی نوینی را نیز بوجود می‌آورد. هر مبحث جدیدی روش تحلیل خاصی را ایجاب می‌کند. استاد جعفر سبحانی می‌نویسد: «تنها چیزی که می‌توان درباره‌ی مسائل جدید اظهار کرد این است که روش تحلیل این مسائل نمی‌تواند عقلی باشد بلکه باید متناسب با خود شبهه یا سؤال، روشی را برای تحلیل آن برگزید.»^(۵)

۱. ارونسون، الیوت، پیشین، ص ۷۹.

۲. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۱ و سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۶۴.

۳. قرآن کریم، سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۲.

۴. قرآن کریم، سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۲۲.

۵. سبحانی، جعفر، مدخل مسائل جدید در علم کلام، تم، ۱۳۷۵، ص ۱۰.

مهمترین مباحث جدید عبارتند از: سکولاریسم، مدرنیسم، پست مدرنیسم، پلورالیسم، تعارض علم و دین، معرفت‌شناسی، اومانیسم، سیانتیسم، هرمنوتیک و عصری کردن دین. دینی کردن عصر جدید و دفاع معقول و منطقی از حاکمیت و اقتدار و قداست دین در عصر جدید، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فصلنامه علمی

۱۴۴

سال نهم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۸۴